

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
ویومه (جلد المبین)
(عنوان مراسلات)
طهران خیابان لاله زار
نایب مدیر میرزا سید حسن کاشانی
دبیر اداره آشیخ یحیی کاشانی
غیر از روزهای جمعه همه روزه
طبع و توزیع میشود

یومیه

هَبْلُ الْمَبِينِ

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالیانه

طهران ۴۰ قران
سایر بلاد داخله ۴۵ قران
رویه و قفقاز ۱۰ منات
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک
(قیمت يك نسخه)
در طهران يكصد دینار
سایر بلاد ایران سه شاهی است
قیمت اعلان سطر
دو قران است

(روزنامه یومیه من آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه)
(بامضا قبول و در انتشارش اداره آزاد است و مطلقاً مسترد نمی شود)

سه شنبه ۲۹ محرم الحرام ۱۳۲۶ هجری قمری و ۱۸ اسفند ماه جلالی ۱۲۹۹ و ۳ مارس ۱۹۰۸ میلادی

چه حاله ملت و وضع حاله مملکت بخوبی معلوم است این مطلب را هر اندک حسی بخوبی درک می کند که این معاهده از سه قسم خارج نیست یا برای نفع ما بسته شده است یا برای ضرر ما یا از برای مانع نفع دارد نه ضرر قسم اول را هیچ سفسیه باور نمی کند که دولت بیگانه دو سال رجال دیپلماتیک بنشینند و عمر صرف کنند و تهیه این کار را به بینند از برای نفع غیر انهم همسایه اینکه نیست با ما هم عداوت ذاتی که ندارند بگوئیم محض ضرر ما بسته اند عقل حکم می کند که این مزحمت را برای خود کشیده اند و جلب نفع خویش کرده اند که حکماً ضرر ما را در بردارد با ما عداوت ذاتی ندارند ولی با خاکان دوستی تامی دارند حرص و طمع و جهانگیری و اداشان کرد بر این حرکت خلاف و صدمه زدن بعالم انسانیت ما را هم از برای کار کردن و جان کندن لازم دارند پس حالا ما را چه افتاده که ثابت کنیم در این تقسیم روس مغربونست یا انگلیس خیر هر دو نفع برده بچاره ایرانی در بین مغربونست اینهمه دعوا سر لحاف ملا نصر الدین است پس ما باید بفکر حفظ کلاه خود باشیم و اصلاح حال خویش نماییم — چه باید کنیم؟ باید وزرا و رجال و صاحبان نفوذ را و داریم بسی هر چه تمام تر به تنظیمات امور دولت و اصلاحات مملکت و تمام مآثر از تجار و کسبه و فلاح و رؤسای انجمنها و بزرگان ولایات يك رأى و يك خیال کنیم در سیر بجا ده ترقی و اصلاح کار خود نمودن همینکه تدریجاً برای ملت ترقی دست داد و کارها اصلاح شد همانطور هم مخاطرات این معاهده و ضد معاهده دیگر بتدریج بالتبع دفع خواهد گشت هر باب نجاتی که کشوده شود دری از مخاطرات بسته خواهد شد — زیرا که مضار عموم معاهدات سیاسیه

(۰) دفع مخاطرات معاهده جدیده راجع بمره قبل (۰) خیلی مشکل است در ملتی که اغلب افرادش از عوام سیاست بکلی دور و از پلتیک همسایگان بی ربط و بی خبر باشند بتوان از خطرات آتیه ایشان سخنی گفت یا آنرا بر پیش بندی خیالات اجانب و ادا نمود زیرا که غالب اهل این مملکت چون بعضی مردمان ایلات و روستا نیستند که با بروز مرض و شدت درد تا خوب بستری نشوند و محاله مرگ نیفتند بطیب و دوا اعتنائی ندارند در این صورت هر چه فریاد بزیم که معاهده دولتمین شمال و جنوب محض خاتمه دادن حیات ملی ما بسته شده است و تقسیم واقعی مملکت ما را کرده اند کسی بفکر چاره و علاج درد نمی افتد خاصه در وقتی که داخله مملکت دچار بعضی اشکالات شده باشد و توقاضی در ادارات و غیره یافت شود که جلب خاطر عموم را در دفع معایب و توقاض داخله خود که لازم از همه چیز است خواهد نمود با اینحال مملکت و عدم استمداد ملت کجاست این است که آنچه در این معاهده میشود گفته شود و در جزء جزایات تشریحات سیاسیه کنند و کیه نامه را در اعتقادات شخصی که فلان دولت بفلان خیال بود و فلان کرد یا فلان خیال را دارد و فلان کار را خواهد کرد جولان دهند آنهم در صورتی که راه چاره را نمایند جز اتلاف وقت ثمری نخواهد بخشید با اینوضع داخله مملکت تقدیم مهم را بر اهم عقلا نخواهند پسندید زیرا که اگر برای خود می نویسند خود می داند که این معاهده چه عاقبت و خیمی برای مملکت خواهد داشت و اگر برای غیر بنویسند بچاقول خواهد بود زیرا که عامه ملت چیزی درک نمی کنند که بفکر اصلاح افتد کجاست شخصی خوابی دیده و نقل می کند یا تیرش را می نماید

از قبیل کسانی که صاحب قبیله و رئیس جمعی هستند در مرتبه نانی که هر کدام باید بوظیفه خود اقدام نموده بمعالجه این مرض و اصلاح حال مملکت مناسب شغل خویش مشغول گردند مثلاً وظیفه وزرا تنظیم ادارات متعلق بخود است که سر منشأ تمام اصلاحات است و بدون آن تمام زحمات از هر که باشد بیفایده است. اول وظیفه وزرا تنظیمات و زارتخانها و تأمین بلاد است هیچ چیز مثل عدم امنیت این تقسیم را بزودی و اطمینان نخواهد داد هیچ چیز مثل ناامنی حیات ملی ما را خاتمه نخواهد داد بهانه بهتر از عدم امنیت و حفظ حقوق تبعه از برای اجانب نیست پس هر چه زودتر باید موجبات امنیت را در مملکت فراهم نمود و دندان طمع اجانب را کند کرد و بهانه بدست بیگانگان نداد خدمتی امروز بدولت و مملکت بالاتر از حصول امنیت نیست و زردای وطن خواه بهر طریق که هست باید امنیت و ادب مملکت قائم دارند و از برای تنظیم وزارتخانها و گردش ادارات مردمان وطن خواه عالم را از خارجه و داخله جلب نموده کارها را بکار دانان رجوع نمایند و دست مفسدین و مخربین دولت و مملکت را کوتاه کنند و همچنین تجار و کسبه پیش از این بر خود سنگ حملی و زحمة دلالتی نپسندند و خود را در سلك تجار واقعی عالم در آورند در نمره ۲۱۷ عطف این تقسیم بیان شد که فقط تفوذ اجانب بواسطه تجارت آنان در این کشور شده و هر چه دایره تجارتشان وسعت یابد تفوذشان بیشتر گردد تا بجائی کشد که يك سره بر ما نافذ الحکم و صاحب اقتدار گردند پس همان طور که این صنف تجار در واقع آله تفوذ و سیاست آنان شدند و تجارت آنانرا وسعت دادند و ثروت مملکت که روح مملکت است بقبضه آنان گذاشتند حالا که عطف تفوذ معلوم است می توانند بهمة و غیرتمندی خود از همان راه که آورده اند برگردانند و پیش از این آلت اجرای مقاصد دشمنان خود نکردند و در ترویج متاع داخله و استعمال منسوجات وطن و احداث کپانی و کارخانجاتیکه سلب احتیاج از بیگانه کند کمال جهد و مساعدت را داشته باشند و دوام دولت و نگهداری مملکت و حفظ دین و حمایت آئین اسلام را که باعث نجات دنیا و آخرت است در رفع احتیاج باجانب و ترویج امتعه اسلامی دانند — واقعا چه بدبخت ملتی هستیم ما زنده ایم لباس می پوشیم کدران می کنیم خدمت بروس است . میبیریم کفن می خواهیم خدمت بروس است زندگی و مردمان فسخ به بیگانگان می دهد برای دنیا کار می کنیم خدمت بروس است برای تحصیل ثواب و اجر آخرت کاری کنیم خدمت بروس است متلاصور نمائید از غره محرم الی سلخ صفر که ماه عزرا و مصیبة شیعیانست و عزرا داری و مراسم تزی به بجا آوردن از بزرگترین شعائر ما مسلمانانست همینکه اول عزرای ما می رسد اول

در اعصاب يك مملکت و عروق يك ملة چون سوده الیاس و زهر هلاهل نیست که سریع النفوذ و فوری الاثر باشد در واقع مانند کریدن سگ هاز و کرک دیوانه است که کم کم میکروبهای سمی تولید و تکثیر کرده داخل در عروق و اعضا شده و خونرا فاسد نموده روز بروز بدتر علیل می کند تا بیکمرتبه شخص را از پای در می آورد همان طور که سمیت کریدن سگ هاز بسته به مزاج و بنیه شخص است که در بعضی اشخاص چهلروز و در بعضی دیگر دو ماه الی دو سال و سه سال طول میکشد و عاقبة شخص را می کشد همانطور هم معاهده سیاسیه موقوف بمزاج مملکت و بنیه و استعداد ملة است که بتفاوت طول می کشد اگر شخص مسموم بنگر جان خود اقتصاد و از چیزهائی که مضرات برهیز کرد و بدو او غذا معالجه مرض خود را نمود احتمال صحت و سلامتی برایش می رود همین قسم است حال ان ملة که اگر حرکاتی که باعث تصرف دیگران نباشد و بهانه بدست آنان ندهد از قبیل شورش و انقلاب و سلب امنیت از رعایای بیگانه و قتل و غارت در بلاد از آنان سر تزد و بادویه بره الساعه علوم بنگر علاج مرض خود افتند و میکروبات سمی را از مزاج مملکت دفع نمایند و اصلاح حال خود کنند امید نجات از برای ایشان توان داشت حالا به بنیم این سم چگونه در ما اثر خواهد کرد و بوجه قسم حیات ما را خاتمه خواهد داد از دو حال بیرون نیست اگر روزگار ما بهمین وضع بماند و هر روز در ناحیه شورش و انقلاب بماند و هر وقت و هر ج و هر ج طغیان نماید و هیچ کس بنگر جلو گیری نباشد زندگانی ما پیش از یکسال و دو سال طول نمیکشد خاصه در وقتیکه تحریکات خارجی هم داخل باشد ظلمین متمدن نما کوس و خشیت و جهالت ما را در همه عالم میزنند و تصرف در امور ما را واجب می شمارند و آنچه نباید بکنند می کنند — اگر باقی الجملة تسکین داخله و تأمین بلاد قناعت کنیم و در صدد اصلاح مزاج و سلب احتیاج خود بر نیائیم و عمر را بفعلت و حرف مفت زدن صرف کنیم ده بازده سال احتمال دارد طول بکشد که تفوذ خود را در ما بحد کمال رسانده و ما را پیش از این بود محتاج نموده و بنهایت فقر و فلاکت مبتلا سازند و ثروت و تجارت مملکت ما را بکلی از دست بگیرند و ما را ناچار کنند بقبول يك قرض خانمان سوز و دادن چند امتیاز جانه براند از انوقت بيك حرکت بلتیکي مملکت خود را شرعا و عرفاً ثابت نمایند چنانکه در هندوستان کردند چنانچه در کره شد چنانچه مصر و مراکش همین حال را خواهد یافت — به بنیم علاج این درد چیست و طیب این مرض کیست امید نجاتی هست یا نیست طیب این امراض مهلك از جسم این مملکت عموم ملتند . خاصه طبقه وزرا و رجال و ارباب و کسبه که در مرتبه اولند و سایر طبقات



شادی روس است تا وقتیکه عمره در بیع الاول آشکار شود که اوقات اول غزای روسیانت که قد و نقطه بالنسبه سایر اوقات کمتر در این ملک بمصرف می رسد . آیا با این ذله احتیاج ما روی نیک بینی را خواهیم دید پس اهم فرائض و واجبات تجار محترم است که بهمتی مردانه حیاتیاً للشرع و تقویاً لا سلام دامن غیرت و حیه را بر کمر زده از آنچه باعث ضعف و خرابی اسلام و تقویت اجانب است احتراز نمایند و تجارت امته داخله و رواج آن بهر نحو که صلاح وقت است اقدام نمایند و بهر چه محتاجند و از نوازم معیشت اهل مملکت است در داخله خود تدریجاً فراهم نمایند و خود را از این ننگ ذله و احتیاج برهانند

(یکشنبه ۲۷ محرم)

امروز بنابر مذاکرات و اظهارات سابق مجلس مخصوص بوکلا و بواسطه باره مذاکرات لازمه سری بود

(اجزاء اطاقهای وزارت عدلیه اعظم)

(اجزاء اطاق وزارت)

جناب امجد السلطان انتظام السلطان منشی باشی
میرزا سید حسن خان ثبات

اداره کابینه ریاست جناب ناظم الدوله

اجزاء کابینه

میرزا محمود خان اندیکاتور میرزا تقی خان ضابط اسناد
میرزا باقر خان دوسیه نویس مقبل الملک دفتر اجزاء
میرزا عبدالحسین خان ثبات میرزا عبد الله خان ثبات
ابوالحسن خان ثبات میرزا فضل الله خان ثبات

(اجزاء تقنین ریاست جناب مخیر السلطان)

جناب مخیر السلطان در محکمه تمیز عدلیه . معتمد الوزاره در استیناف . میرزا امرمز خان در اجراء عدلیه . میرزا علی اصغر خان در محکمه تجارت . میرزا جواد خان در محکمه بدایت . میرزا مهدیخان در محکمه بدایت . میرزا احمدخان در محکمه بدایت . میرزا عبدالحسین خان در محکمه جزاء . میرزا رحیمخان در محکمه جزاء . موثق الممالک در محکمه جزاء . میرزا غلامرضا خان منشی . میرزا محمد علی خان ثبات صورت اعضاء و اجزای مجلس تمیز در تحت ریاست

شخص وزیر عدلیه است

اجزاء مستمر که دایم حاضر خواهند بود

صاحب رأی — جناب مستشار عدلیه جناب امین المداله
جناب لسان الدوله

منشی وثبات — دیر دربار منشی میرزا جدر علیخان
ثبات میرزاتی خان ثبات

سایر رؤسا که عضویت تمیز را دارند و عند الحاجة
برای تکمیل عده تاهفت نفر یا نه نفر حاضر خواهند

شد و صاحب رأی خواهند بود
جناب حاج صدق الملک نواب والا رکن الممالک جناب
اقتدار الدوله جناب اشراق السلطنه جناب انتظام السلطنه
صورت اعضاء و اجزاء محکمه استیناف که منشعب
بدو شعبه میشود و ریاست نواب والا رکن الممالک میباشد
شعبه اول که صاحب رأی میباشد و باید پای ورقه
رپورت را مهر کنند

صاحب رأی — میرزا حسین خان معتمد الممالک میرزا
فتحعلی خان میرزا محمد قلی معتمد العداله میرزا حسین خان
عبدالوهاب خان جلال الممالک

منشی وثبات — اسعد السلطان منشی تند نویس میرزا
علی خان ثبات و مأمور نظم اطاق

شعبه دوم که صاحب رأی میباشد و باید پای ورقه
رپورت را مهر کنند

صاحب رأی — آقا میرزا سید حسین خان مشیر رسائل
میرزا ابراهیمخان مؤید دفتر حاجی میرزا زکی خان
حسنی خان محشم حضور

منشی وثبات وثوق السلطان منشی تند نویس میرزا
مصطفی خان ثبات مأمور نظم اطاق

صورت اجزاء و اعضاء محاکمات ابتدائیه که منشعب
بسه شعبه میشود و ریاست جناب عدالت السلطنه میباشد
شعبه اول که صاحب رأی میباشد و باید پای ورقه
رپورت را مهر کنند

صاحب رأی — حاجی میرزا ولی خان ملقب بناظم ظهیر
همایون میرزا غلامحسینخان

منشی وثبات — میرزا سید علی منشی تند نویس میرزا
علی ثبات مأمور نظم اطاق

شعبه دوم که صاحب رأی میباشد و باید پای ورقه
رپورت را مهر کنند

صاحب رأی — صفاء الملک ساعد همایون مدیر همایون
منشی وثبات — میرزا محمود خان منشی تند نویس یوسف
خان ثبات و مأمور نظم اطاق

شعبه سوم که صاحب رأی میباشد و باید پای ورقه
رپورت را مهر کنند

صاحب رأی — نعم السلطنه احتشام الممالک احتشام نظام
منشی وثبات — میرزا غلامحسین خان منشی تند نویس
مزدیوان ثبات مأمور نظم اطاق

صورت اجزاء و اعضاء محکمه جزاء که منشعب بدو
شعبه میشود

(شعبه اول محکمه)

صاحبان رأی — جناب حاج صدق الملک جناب معاون
همایون جناب حاجی قاضی جناب صدر الاشراف میرزا

احمد خان

منشی وثبات — حاج محسن خان منشی محمدالمالك منشی
غلامحسین خان ثبات میرزا علی اکبر ثبات
(شعبه دوم استتطاق و غیره)

معاون حضرت مستتطاق میرزا علی اصغر خان ثبات
جناب مؤدب الدوله و مجدالحکماء طرف رجوعات دیوانخانه
خواهند بود تشخیص جراحات و غیره از امور طیه
محول بایشان خواهد بود

﴿ (صورت اجزاء و اعضاء محکمه تجارت) ﴾

(اطاق اداره)

اعضاء اداره — جناب انتظام السلطه رئیس میرزا کریم
خان معاون

منشی وثبات — میرزا حسن خان دفتر دار میرزا رفیع
خان منشی امین الوزاره محصل اجراء و احضار حیدر
میرزا ثبات

﴿ (دو محکمه) ﴾

محکمه اول — جناب مؤید الممالک حسعلی میرزا
میرزا احمدخان تند نویس

محکمه دوم — جناب افضل السلطه بصیر
الوزاره تند نویس

﴿ (صورت اجزاء و اعضاء مجلس محاسبات) ﴾
محاسبه — جناب اشراق السلطه رئیس اعتصام دیوان
معاون میرزا محمد علیخان سر رشته دار میرزا حسن
خان منشی

اداره ملزومات — میرزا محمود خان تحو بیدار جنس
میرزا علی اکبر خان منشی

﴿ (صورت اجزاء و اعضاء مجلس اجراء) ﴾

اطاق اجراء و غیره

اجراء — اقتدار الدوله رئیس اسعدالدوله معاون
اداره صندوق — جناب میرزا احمد خان رئیس مشکوة
دیوان معاون

شعبه اول اجرای تجارت — صفوة الملك مدیر حشمت
دیوان منشی میرزا یوسف خان موزع احکام میرزا
فرج الله خان ثبات میرزا حسعلی خان ثبات

شعبه دوم اجرای محاکم بدایت — ناظم الوزاره مدیر
میرزا ابراهیم خان مشکوة حضور منشی نظام السادات
موزع احکام میرزا غلام علی خان منشی میرزا آقاخان
ثبات میرزا محمدخان ثبات

﴿ (صورت اداره احضار بریاست جناب قوام المداله) ﴾

(اداره احضاریه)

مدیر و غیره — بدیع السلطان معاون میرزا علی خان
منشی

احضاریه نویس چهار محکمه — میرزا غلام حسین خان
سیف الله خان عباسقلی خان میرزا حسین خان
ضابط عرایض و نمره نویس — میرزا رضاخان ضابط
عرایض میرزا احمد خان نمره نویس
عرایض نویس — اسدالله میرزا بصیر المداله
اداره نمر — منصور الوزاره الصاق نمر میرزا یوسف
خان معاون قوام المداله ارجاع کننده عرایض میرزا
هدایت الله خان ثبات کل

(هو المادل)

صورت اسامی اجزاء دیوانخانه است که با ملاحظه
اطراف اختیارا واضطرارا قبول و بر قرار شده اند
ان شاء الله تعالی سعی خواهند کرد که همه کسب معلومات
نموده بحق صاحب مقام خود بشوند عجلاله از همین قرار
در روزنامه جبل المتین مندرج شود امضا (مهدیقن)

(جبل المتین)

تجربه و علم و حسن اخلاق و آداب و اداره کردن
مخبر السلطه و خدماتشان در راه مشروطیت بر فرد فرد
ایرانی منصف پوشیده نیست چنانچه بر همگان واضح و
محسوس شده است که هر وزارت خانه که بایشان تفویض
شده بآنک توجهی اس اساس انرا چنان محکم نموده است
که هر مهندس کاملی تصدیق بر استحقاقش کرده بنا بر
این شرح خدمات ایشان را نوشتن از قبیل توضیح واضحات
است ولی محض جلب خاطر وزیر عدلیه حالیه مینگاریم
که آنچه را مشارالیه از روی تجربه علمیه موافق صورت
فوق مهندسی نموده و اجزاء عالم را منتخب کرده اند
تصدیق فرموده بروی نمایند و وقت خود را مصروف
استحکام این بنا کنند بعمده ما خوب است اطاق محکمه
جزارا از طرف جنوب بطرف شمال نقل نمایند تا دارای گرمی شود

﴿ (اعلان) ﴾

چون در ماده سیم نظامنامه مجمع انسانیته مندرج
است که عموم اعضاء مجمع يك عده اشخاصی را که بدستی
و دیانت و علم و اطلاع و شرف انها اطمینان دارند انتخاب
نمایند که آن اشخاص همیشه مشغول انجام امورات و دائر
داشتن مجمع باشند و عده آن اشخاص باید بیست و چهار
نفر باشد عنی هذا اخطار میشود که روز جمعه سیم شهر
صفر سه از دست گذشته برای اجرای این مقصود عموم
اقایان اهالی آشتیان و نفرش و کرکان در مجمع انسانیته
شرف حضور ارزانی دارند و هر يك که در روز مزبور
حاضر نشوند حق حضور آنها ساقط و بعدها در مسئله
منتخبین مزبور حق رأی درود و قبول ندارند (مجمع انسانیته)

(حسن الحسینی الکلاتانی)